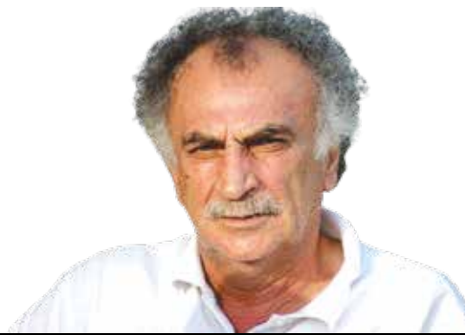
تا قبل از صعود حماسی ۸ آذر ۱۳۷۶ هر آنچه در آرشیو فوتبال ایران مربوط به تقابل ایران و استرالیا می‌شد، مربوط به همان دو بازی انتخابی جام جهانی ۱۹۷۸ بود که البته جوان‌های دو دهه اخیر هیچ چیز روشنی درباره‌اش نمی‌دانستند. در نهایت همه از نتیجه دو بازی در تهران و ملبورن خبر داشتند و می‌دانستند که با برد یک-صفر در تهران صعودمان به جام جهانی آرژانتین رقم خورده بود. اما آن صعود چطور اتفاق افتاد؟ مراجعه به آرشیو مسابقات ملی نام یک چهره خاص را به‌عنوان گلزن آن مسابقه پیش روی‌مان قرار می‌دهد؛ غفور جهانی. گلزن انزلی چی با آن موهای پریشان و چشم‌های آبی از حدقه درآمده که مثل بیشتر فوتبالیست‌های شاخص آن روز مدل فتوژنیک بودن‌شان از کاریزمای‌شان می‌آمد. اینکه همه آنها فوتبالیست‌های فوق‌العاده و توانمندی بودند و در عین حال چهره و تیپ‌شان بدون آراستگی هر روزه به درد روی جلد مجلات می‌خورد. پس یقین داریم حالا با تورق همان مجلات از تماشای تصاویر خاطره انگیز هر کدام‌شان ذوق زده می‌شوید.

غفور جهانی زننده گل اولین صعود تاریخ فوتبال ایران به جام جهانی است. بازیکنی که هم خودش و هم گلش می‌توانند در تاریخ فوتبال ایران مهم و ویژه تلقی شوند. آقا غفور از آن چهره‌های وفادار به انزلی است که در اوج شهرت از آن بندر زیبای شمالی دل نکند اما اینکه بدانیم چطور در دل آن غول‌های دهه ۵۰، مهاجمی از آن شهر کوچک به ترکیب فیکس تیم ملی و جام جهانی رسید، داستان جالبی دارد که در کنار ماجرای صعود و آن گل تاریخی خواندنی می‌شود. پس گفت‌وگوی ما با آقا غفوری که جهانی‌مان کرد را بخوانید:







مصاحبه
محمد قراگزلو

گفت‌وگو با زننده گل اولین صعود تاریخ تیم ملی به جام جهانی

غفور جهانی: پروین گفت پاس من الکی بود، تو هم شانسی گل زدی!

آقاغفور صعود به جام جهانی ۱۹۷۸ اولین صعود ما به جام جهانی فوتبال بود که شیرین و تاریخی است. از مرارت‌ها و شیرینی‌های آن صعود برای‌مان بگویید.

خدمت‌تان عرض کنم آن دوره یکی از دوران‌های خوب تیم ملی بود. بازیکنان از المپیک آسیایی تهران با هم بودند و بعد در المپیک مونترال و سپس تا صعود به جام جهانی کنار هم ماندند. آن زمان بازیکنان یک تعصب و عرق خاصی داشتند. شاید از لحاظ تاکتیکی تیم ملی عقب‌تر از تیم کنونی بود اما از نظر فنی بازیکنان خیلی کارساز بودند و بعضی از بازیکنان به تنهایی سرنوشت تیم را عوض می‌کردند چون کار فنی‌شان فوق‌العاده بود. البته الان هم تیم ملی‌مان خوب است و بازیکنان خوبی دارد که خیلی‌هایشان در اروپا بازی می‌کنند و بعضی‌شان در تیم‌های عربی. آنهایی هم که در تیم‌های عربی بازی می‌کنند، نسبت به بقیه که در اروپا و ایران هستند، ضعیف‌ترند چون به هر حال آن مرارت‌ها و سختی‌هایی که در اروپا بازیکنان می‌بینند را ندیده‌اند. فوتبالیست‌هایی که به اروپا می‌روند، چیزهایی یاد می‌گیرند و دانستنی‌هایی به فوتبال ما اضافه می‌کنند که به نفع ماست.

حالا برسیم به نحوه صعود و سختی‌هایی که کشیدید تا به جام جهانی صعود کنید.

سختی‌های زیادی داشتیم مخصوصاً در بازی با کره جنوبی. در بازی‌ای که در شهر پوسان با آنها داشتیم، من که فوروارد بودم ۸۰ دقیقه جلوی دفاع‌ها سر می‌زدم. آن بازی صفر-صفر مساوی شد. حتی در بازی ایران هم کارمان خیلی سخت شد. آنها در آن بازی ۲-صفر جلو بودند که در نهایت ۲-۲ مساوی شدیم. آن دوره از تمام آسیا و اقیانوسیه فقط یک تیم به جام جهانی صعود می‌کرد. ما انسجام تیمی خوبی داشتیم و بیشترمان از دو، سه سال قبل در اردو بودیم. خودم که بازیکن ملوان بودم، چهارشنبه از اردوی تیم ملی مرخص می‌شدم، جمعه بازی می‌کردم و دوباره برمی‌گشتم اردو. این را هم بگویم که آن زمان رفاقت در تیم ملی خیلی زیاد بود.

از حال و هوای آن گل بگویید.

وقتی گل را زدم، افتادم روی زمین و ۱۰ دقیقه گیج بودم. با خودم می‌گفتم من چرا به دروازه این طرفی گل زدم، باید به آن یکی دروازه گل می‌زدم. یعنی اینقدر در فضای بازی بازیکنان یکپارچه و رفیق بودند و کسی فکر نمی‌کرد برد را به نام خودش بزند. گل را هم به نام هر ۱۱ نفر یا ۱۸ نفر می‌نوشتیم.

شما استرالیا را در تهران بردید و صعود به جام جهانی قطعی شد. بازی آخر با کویت هم که فرمالیته بود.

بله بازی با کویت فرمالیته شد. البته همه بازیکنان فیکس را بردند آنجا ولی در ترکیب نگذاشتند.

از برد مقابل استرالیا بگویید.

ما اصلاً بایستی آنها را در همان استرالیا می‌بردیم. البته تا آنجایی که یادم می‌آید ناصرخان (حجازی) یک پنالتی را گرفت. اینجا هم یک-صفر بردیم‌شان و برای اولین بار رفتیم جام جهانی. واقعاً بازیکنان بسیار خوبی داشتیم. از گلر تا خط حمله.

شما گلزن آن بازی بودید و گل صعود را زدید. علی آقای پروین هم پاس گل داد. در مصاحبه‌ای هم گفته بود غفور شانسی آن گل را زد.

(به‌شدت می‌خندد) بله علی آقا شوخ است و اتفاقاً به من هم گفت یک پاس الکی دادم و تو هم یک گل شانسی زدی.

درباره آن گل بگویید. به نظر می‌رسد واقعاً اتفاقی زدید و خوش شانس بودید که در آن صحنه توپ به شما رسید.

من دیدم که علی پروین از گوش راست نفوذ می‌کند. وقتی نفوذ می‌کرد، می‌دانستم چه کار می‌کند. بعد که توپ را زد، گلر آمد بگیرد که توپ از زیر دستش رد شد و من هم آنجا دروازه خالی را زدم. خب یکی از خصوصیات مهاجم باید شناختن فضاها و جاگیری درست باشد.




حشمت مهاجرانی
سرمربی تیم ملی ۱۹۷۸


اصغر شرفی
مربی تیم ملی ۱۹۷۸


آندرانیک اسکندریان
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸